

## Tahqīqāt-e Kalāmi

Islamic Theology Studies

An Academic Quarterly

Vol.11, No.41, July-September 2023

### The Role of Divine *Hudjadj* (Proofs) in the Progress and Improvement of Human Worldly Life

Ali Babazadeh<sup>1</sup>

Sayed Hasan taleghani<sup>2</sup>

#### Abstract

In today's society, this idea has spread that religions and divine *Hudjdjajs* (lit. proofs but terminologically means: the prophets, Imāms, especially the latter) have nothing to do with the worldly life of human beings and they have only invited people to otherworldly matters such as the knowledge of God, heaven and hell, and similar issues. This attitude has caused the general public not to look for religious teachings and knowledge in the programs related to worldly life, and as a result, to progress in various worldly issues, they only refer to their intellect and consider themselves exempt from divine *Hudjdajah* in this field. In this regard, this misgiving arises that religion is incomplete for people's worldly affairs. This article claim is that the divine *Hudjdjajs* are not only in matters of the hereafter, but also in worldly affairs are the source of reference for people and open the way. According to the evidence of history, most of the people at different times turned away from divine *Hudjdjajs* and did not refer to them; Because of this, many developments did not come about or were made possible with slowness. However, according to the existing contexts, the divine *Hudjdjajs* have had solutions and innovations in the path of society's progress in various fields. The people's non-compliance with divine *Hudjdjajs*, the lack of a proper context, being under the supervision of the rulers, and the difficulty of people's communication with them did not prevent the divine *Hudjdjajs* from playing an effective role in various fields of human material life. By exploring the narrations and historical data and presenting a report and analyzing the new and constructive teachings and programs of the Divine *Hudjdjajs*, this research aims to show their role in advancing and improving the level of knowledge and well-being of human life. These innovations and plans are arranged in three sections of biological, safety and social needs.

**Keywords:** religious achievements, Divine *Hudjdjajs*, worldly benefits of Imāms, material life, society progress, invention and discovery.

- 
1. Graduate of high level in the disciple of Fiqh (jurisprudence) and the Principles of Fiqh at Qom Seminary and researcher in Ja'farī Culture Foundation. babazadehali110@gmail.com
  2. Associate professor, Research Institute of Quran and Hadith Hasan. taleghani87@gmail.com

## الأبحاث الكلامية

فصلية - علمية بحثية

السنة الحادية عشرة، العدد الواحد والأربعون

ذى الحجة ١٤٤٤ - صفر ١٤٤٥ هـ

### دور الحجج الالهية فى تقدم الحياة الدنيوية للبشر وتحسينه

على بابازاده<sup>١</sup>

سيدحسن طالقاني<sup>٢</sup>

#### الملخص

قد ذاعت هذه الفكرة فى المجتمع بأنه ليس شأن للاديان والحجج الالهية بحياة الانسان الدنيوية ووظيفتهم دعوة الناس الى الموضوعات الاخروية كعرفة الله والجنة والنار فحسب. وأدى هذا التفكير الى أن رفض عامة الناس التعاليم الدينية فى حياتهم الدنيوية وللتقدم فى مجالات منوعة من الحياة الدنيوية يتمسكون بعقولهم فقط ويستغنون من الحجج الالهية فى هذا المجال. وفى هذا السياق يثور الشك فى أن الدين ناقص فى الشئون الدنيوية. والمدعى هو أن الحجج الالهية كاملة فى كلا الشأين الاخروية والدنيوية. ويشهد التاريخ أن كثيراً من الناس وفى الأزمنة المختلفة رفضوا الحجج الالهية وما راجعوا اليهم؛ ولهذا لم يحدث كثير من التقدمات او حدثت ببطئ. لكن الحجج الالهية نظرا الى المجالات المتوفرة فى المجتمع كان لديهم حلول وابداعات فى طريق تقدم المجتمع وتميته. عصيان الناس وعدم توفير الارضية المناسبة واستيلاء الحكام على الناس وصعوبة علاقة الناس مع الحجج الالهية كل هذا لم يمنعهم من دورهم الاساسى فى مجالات مختلفة من الحياة المادى للانسان. هذه الدراسة عبر دراسة الاحاديث والمعطيات التاريخية وتقديم التقارير والتحليل عن تعاليم وبرامج حديثة وبناءة عن الحجج الالهية، تشير الى دورهم فى تقدم المجتمع ورفعة مستوى العلم والرفاه فى الحياة البشرى.

#### الألفاظ المحورية

نتائج الدين، الحجج الالهية، الآثار الدنيوية للائمة، الحياة المادية، الاختراع والاكتشاف.

١. طالب بحث الخارج فى الفقه والاصول بالحوزة العلمية بقم، باحث فى معهد الثقافة الجعفرية

(babazadehali110@gmail.com)

٢. أستاذ مساعد فى معهد القرآن والحديث (Hasan.taleghani87@gmail.com)

## تحقیقات کلامی

فصلنامه علمی پژوهشی

انجمن کلام اسلامی حوزه

سال یازدهم، شماره چهل و یکم، تابستان ۱۴۰۲

### نقش حجج الهی در پیشرفت و بهبود زندگی دنیوی بشر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵

علی بابازاده<sup>۱</sup>

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۰۹

سیدحسن طالقانی<sup>۲</sup>

#### چکیده

در جامعه امروز این تفکر شایع شده است که ادیان و حجّت‌های الهی کاری به زندگی دنیوی بشر نداشته، فقط مردم را به موضوعات اخروی از قبیل خداشناسی، بهشت و جهنم و مسائلی از این دست دعوت کرده‌اند. این تلقی سبب شده است عموم مردم در برنامه‌های مربوط به زندگی دنیوی، به دنبال آموزه‌ها و معارف دینی نباشند و در نتیجه برای پیشرفت در مسائل مختلف دنیوی تنها به عقل خود رجوع کرده و خود را از حجج الهی در این زمینه مستغنی بدانند. در همین راستا این شبهه ایجاد می‌شود که دین برای امور دنیوی مردم ناقص است. ادّعا این است که حجج الهی نه تنها در مسائل اخروی، بلکه در امور دنیوی نیز محل رجوع مردم و راه‌گشا هستند. به‌گواه تاریخ، اکثر مردمان در زمان‌های مختلف از حجج الهی روی گردانده و به ایشان رجوع نکردند؛ از همین روی، بسیاری از پیشرفت‌ها به وجود نیامد یا همراه کنندی میسر شد. با این حال، حجج الهی با توجّه به بسترهای موجود، راهکارها و نوآوری‌هایی در مسیر پیشرفت جامعه در زمینه‌های مختلف داشته‌اند. عدم پیروی مردم از حجج الهی، نبود زمینه و بستر مناسب، تحت نظر حاکمان بودن و سختی ارتباط مردم با ایشان، مانع نشد تا حجج الهی در زمینه‌های مختلف زندگی مادی بشر نقش مؤثر نداشته باشند. این پژوهش درصدد است با کاوش در روایات و داده‌های تاریخی و ارائه گزارش و تحلیل از آموزه‌ها و برنامه‌های نو و سازنده حجج الهی، نقش ایشان را در پیشبرد و ارتقای سطح دانش و رفاه زندگی بشر نشان دهد. این نوآوری‌ها و طرح‌ها در سه بخش نیازهای زیستی، ایمنی و اجتماعی مرتب شده است.

#### واژگان کلیدی

آورده‌های دین، حجج الهی، فوائد دنیوی امامان، زندگی مادی، پیشرفت جامعه، اختراع و اکتشاف.

۱. دانش آموخته خارج فقه و اصول در حوزه قم، پژوهشگر بنیاد فرهنگ جعفری (babazadehali110@gmail.com)

۲. استادیار پژوهشگاه قرآن و حدیث (Hasan.taleghani87@gmail.com)

## مقدمه

بشر امروزه همواره در حال پیشرفت و بهبود حیات دنیوی خود است. علم در موضوعات مختلف گسترش پیدا کرده و در خدمت انسان قرار گرفته تا نیازهای او را برطرف کند. با این توسعه نیازهای مربوط به زیست، ایمنی و اجتماعی بشر به مقدار قابل توجهی برطرف شده است. از طرفی، استفاده ناصحیح بشر از علمی که خود آن را گسترش داده، منجر به آسیب‌های جدی به زیست، امنیت و اجتماع بشر گردیده است. بنابراین پیشرفت علم غالباً توأم با ضرر بوده است؛ ولی آسایش و رفاه آن‌ها باعث شده است از مضرات و صدماتشان چشم‌پوشی شود. حجج‌الهی با توجه به شرایط موجود جامعه خود در رفع نیازهای بشر نقش جدی و تأثیرگذار داشته و باعث پیشرفت جامعه بودند. ایشان همچنان‌که برای آخرت و معنویت مردمان تلاش می‌کردند، برای جهات دنیوی و سعادت آن‌ها در این جهان نیز تلاش می‌کردند. پیروی نکردن اغلب مردم از ایشان، نداشتن حکومت ظاهری، تحت‌نظر حاکمان بودن و سختی ارتباط مردم با ایشان، مانع نشد تا حجج‌الهی در زمینه‌های مختلف زندگی مادی بشر نقش مفید نداشته باشند. ایشان برای بهتر شدن زندگی مادی بشر نقش اساسی ایفا کردند. طبعاً نقش ایشان بدون ضرر بوده است و این نکته یکی از فرق‌های مهم آن‌ها در تأثیرگذاری با دیگران است؛ ولی هیچ‌گاه از این زاویه به این نقش پرداخته نشده و اثر مستقلی در این موضوع نگاشته نشده است؛ بنابراین ضرورت دارد پژوهشی به این موضوع پردازد و نقش ایشان را از این بُعد پررنگ کند. این اثر ضمن معرفی بُعد جدیدی از دین و نقش حجج‌های الهی، پاسخ شبهاتی در زمینه بی‌اثربودن حجج‌الهی را نیز می‌دهد. با آشکار شدن اثرات حجج‌الهی در زندگی مادی بشر، این تفکر که ادیان و حجج‌های الهی کاری به زندگی دنیوی بشر نداشته، فقط مردم را به موضوعات اخروی از قبیل خداشناسی، بهشت و جهنم و مسائلی از این دست دعوت کرده‌اند، برطرف خواهد شد.

با جست‌وجویی که نگارنده حول موضوع مربوطه داشت، هیچ اثر مستقلی در این زمینه یافت نشد. چند کتاب در رابطه با اولین‌ها در اسلام وجود دارد؛ مانند *الأوائل*، أبو‌هلال عسکری (۳۹۵ق)، *محاسن الوسائل فی معرفة الأوائل*، محمدبن‌عبدالله شبلی دمشقی (۷۶۹ق) و *الأوائل*، محمدتقی تستری (۱۳۷۴). این کتاب‌ها تنها اولین‌ها را جمع‌آوری کرده‌اند و نقش حجج‌الهی در جهت پیشرفت جامعه در این کتاب‌ها مشاهده نمی‌شود؛ به‌عنوان مثال، مؤلفان کتاب‌های مذکور، اولین‌ها در زمینه‌های مختلف در زمان انبیا، جاهلیت، اسلام، پیامبر، صحابه و تابعین، خلفا و امرا، قضات، ادبا، شعرا، نساء و برخی از اولین‌ها در عجم را جمع‌آوری کرده‌اند،

البته *الاولئ* تستری کمی مفصل‌تر است و نسبت به اولین‌ها در جنگ‌ها، علوم، فرقه‌ها، صناعات، اقتصاد و سیاست، گزارشی تاریخی ارائه کرده است.

یکی از اهداف مهم از برانگیخته شدن حجج الهی آوردن اعتقادات صحیح، احکام دقیق<sup>۱</sup> و اخلاق نیکو است.<sup>۲</sup> حاصل شدن جامعه‌ای پیشرفته بر پایه عدالت در گرو اجرایی شدن این سه مهم در کنار تبعیت مطلق از حجج الهی است.<sup>۳</sup> حجج الهی در کنار این سه امر، با توجه به بسترهای موجود، راهکارها و نوآوری‌هایی در مسیر پیشرفت جامعه در زمینه‌های مختلف داشته‌اند. برای رسیدن به این مدینه فاضله، رجوع مردم به امام لازم است<sup>۴</sup> و علاوه بر مسائل اخروی در رفع معضلات مادی و بهبود و پیشرفت امور دنیوی خود نیز باید از ایشان کمک بگیرند. امام صادق علیه السلام در رابطه با علم صحیحی که مردم می‌توانستند از حجج الهی دریافت کنند، می‌فرماید: «اگر مردم به امامان روی نیاورند و حق آنان<sup>۵</sup> را انکار کنند، ایشان نیز ساکت می‌شوند؛ درحالی‌که علم مردم به بقای اولی و تکاملی بسیار کم‌تر از آن چیزی است که نزد امامان است.» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۲: ۳۳۷) ایشان در ادامه می‌فرماید: «حجج الهی مردم را به سوی مصالح و منافع راهنمایی می‌کنند؛ همچنین اموری که به وسیله آن، بقا ممکن و در ترک آن فنا به وجود می‌آید را بیان می‌فرمایند.» (همان)

به گواه تاریخ و گزارش‌هایی که در کتاب‌های آسمانی و روایات دینی آمده است، بشر در طول تاریخ از حجج الهی روی گردانده و از ایشان تبعیت نکردند. از همین روی بسیاری از پیشرفت‌ها به وجود نیامد یا همراه با کندی میسر شد. این عدم پیروی مردم از حجج الهی، عدم زمینه و بستر مناسب، تحت نظر حاکمان جور بودن و سختی ارتباط مردم با ایشان، مانع نشد تا حجج الهی در زمینه‌های مختلف زندگی مادی بشر نقش مثبت نداشته باشند.

۱. احکام دقیق منحصر به امور شرعی و اخروی نمی‌شود؛ چرا که بسیار از احکامی که حجج الهی پایه‌گذار آن بودند مربوط به امور دنیوی است و نقش مهمی در پیشرفت زندگی مادی بشر داشته است.

۲. ناگفته نماند که رابطه احکام و اخلاق تباین نیست؛ بلکه احکام اسلامی تماماً در راستای اخلاق است.

۳. شخصی از امام سؤال می‌کند که مردم نسبت به حجّت خدا چه وظیفه‌ای دارند؟ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وقتی به امام اقتدا شود، اموری که به منفعت و مصلحت مردم است، یکی بعد از دیگری از امام صادر می‌شود.» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۲: ۳۳۷)

۴. *مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ تُؤْتَى وَلَا تَأْتِي* (خزاز رازی، ۱۴۰۲ق: ۱۹۹).

۵. حقّ امامت که خداوند به ایشان عطا فرموده است.

در پایان نوشتار، این اندیشه و شبهه که حجّت‌های خداوند در راستای آسان‌نمودن زندگی دنیوی بشر راهی باز نموده‌اند و تنها معنویات برای ایشان آورده‌اند، دفع می‌گردد.

## ۱. نیازهای زیستی

### ۱-۱. خوراک

اولین و ضروری‌ترین نیاز انسان برای بقا و ادامه حیات، خوراک است. انسان برای رشد و نمو به خوراک و برای سلامتی، به تغذیه سالم و مفید نیاز دارد. بشر با پیشرفت در این زمینه و با امتحان کردن انواع مختلف خوراکی‌ها، آن را گسترش و توسعه داد. حجج‌الهی نسبت به هر دو بخش، یعنی اصل خوراک و تغذیه سالم رفع نیاز کرده‌اند.

حضرت ابراهیم علیه السلام اولین کسی بود که ذرت، هویج و شلغم به عمل آورد (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ۲: ۵۷۵). زردآلورا نیز اولین بار یکی از پیامبران کاشت کرد (همان، ۲: ۵۷۴). حضرت ایوب علیه السلام اولین کسی بود که عدس کشت کرد (برقی، ۱۳۷۱ق، ۲: ۵۰۵). علامه مجلسی در مورد کشت عدس می‌نویسد: «ظاهر حدیث آن است که این دانه پیش‌تر نبوده و به برکت آن حضرت به ثمر رسیده است.» (مجلسی، ۱۳۸۴، ۱: ۵۶۳) این مواد علاوه بر خواص نافع و طعم جدید با تلفیق آن با دیگر خوراکی‌ها زمینه برای تنوع غذایی گوناگون شد. به‌عنوان نمونه، شکر پایه بسیار از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها است. این خوراکی توسط حضرت سلیمان علیه السلام تولید شد (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۲: ۴۹۳).

از طرفی برخی از نوشیدنی‌ها مانند مسکرات که باعث از بین رفتن موقت قوه تعقل می‌شود، ممنوع شده است؛ زیرا علاوه بر آسیب به بدن<sup>۱</sup> باعث فساد در زمین حتی قتل می‌شود. (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ۲: ۴۷۶) همچنین حجج‌الهی خوردن برخی از حیوانات<sup>۲</sup>، مردار (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۲: ۲۱۱) و حیوانی در ذبح آن دستور دین رعایت نشده است<sup>۳</sup> را به دلیل مضرات جسمی، ممنوع کردند. نسبت به بخش دوم حجج‌الهی دستوراتی نو در رابطه با چگونگی استفاده و خواص مواد خوراکی فرموده‌اند. این بخش بسیار مفصل و گسترده است. برای اطلاع بیشتر به دو کتاب *طب‌الائمه و طب‌الرضا رجوع شود*.

1. <https://goo.gl/zeLUZ>

۲. مانند خوک، لِأَنَّ غَدَاءَهُ أَقْدَرُ الْأَقْدَارِ مَعَ عَلَلٍ كَثِيرَةٍ (ابن‌بابویه، ۱۳۸۵، ۲: ۴۸۴).

3. <https://www.khabaronline.ir/news/150036>

## ۲-۱. پوشاک

پوشش انسان و چگونگی آن، از نیازهای ضروری برای بقا و حیات شمرده می‌شود. حجج الهی اولین کسانی بودند که برای پوشش انسان قدم برداشتند. حضرت ادریس علیه السلام اولین کسی بود که خیاطی می‌کرد. قبل از ایشان مردم از پوست حیوانات بدون طراحی خاصی به‌عنوان پوشش استفاده می‌کردند (راوندی، ۱۴۰۹ق-ب: ۷۹). به نظر می‌رسد حضرت ادریس علیه السلام نوعی پارچه و ملزومات دوخت نیز اختراع کردند؛ ولی در گزارش‌های تاریخی نوع پارچه‌ای که از آن برای دوخت استفاده می‌کرد یا چگونگی دوخت، طراحی لباس و ملزومات خیاطی ذکر نشده است. به‌طور طبیعی، این حرفه هر چه جلوتر می‌رفت، پیشرفته‌تر می‌شد. بعدها امیرالمؤمنین علیه السلام برای استحکام و کیفیت بیشتر دوخت به شخصی که خیاطی می‌کرد، چنین فرمودند: «نخ‌ها را محکم و درزها را باریک و سوزن‌ها را نزدیک به هم فرو کن.» (أبی‌فراس، ۱۴۱۰ق، ۱: ۴۲)

حضرت ابراهیم علیه السلام نیز اولین کسی بود که لباس زیرین پوشید. ایشان زائد بر سایر البسه‌ای که می‌پوشید، لباسی دیگر که کوچک‌تر از شلوار بود به پا نمود. این جامه تا سر زانوهای وی را می‌پوشاند (ابن‌بابویه، ۱۳۸۵، ۲: ۵۸۵). در مورد پوشش پا نیز حضرت ابراهیم علیه السلام اولین کسی بود که نعلین پا کرد (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۳: ۶۸). قبل از حضرت ابراهیم علیه السلام مردم از چرم یا وسیله به‌عنوان پوشش پا استفاده می‌کردند. ایشان این صنعت را با طراحی نوع خاصی از کفش به نام نعلین که امروزه نیز استفاده می‌شود، گسترش داد.

## ۳-۱. بهداشت

بدیهی است که بشر برای ادامه حیات، طول عمر و ازدیاد نسل به بهداشت نیاز دارد. رعایت مسائل بهداشتی همواره با سلامتی انسان گره‌خورده است، بنابراین حجج الهی فراوان بدان سفارش می‌کردند (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ۱: ۴۰) و در این راستا قدم برداشتند. به‌طور طبیعی با رعایت توصیه‌های بهداشتی از بروز بیماری‌های مختلف پیشگیری شده و سلامتی انسان تضمین می‌گردد. صابون را حضرت سلیمان علیه السلام ابداع (تستری، ۱۳۷۲: ۴۳۳) و نوره به دستور ایشان ساخته شد (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷: ۳۵۱) از سنت‌های دیگری که حجج الهی بنا نهادند مسواک بود (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۳: ۱۴۹) تا جایی‌که امام صادق علیه السلام برای آن ۹ فایده بهداشتی بیان فرمودند (همان، ۱۳: ۱۵۱). از اهمیت دادن به مسائل بهداشتی در زمان‌های

دور بسیار استفاده می‌شود که حجج الهی چه نقشی در رابطه با تأسیس و گسترش بهداشت داشتند.<sup>۱</sup> نکته مهمی که باید بدان توجه داشت این بود که بهداشتی که حجج الهی به آن تأکید داشتند علاوه بر خاصیت پیشگیری و درمان، بدون ضرر بود. بعدها که بشر در این موارد ورود کرده و آن را گسترش داد، غالباً همراه ضرر بوده است. تغییر وسیله مسواک از چوب به پلاستیک از این موارد بود.

#### ۴-۱. نوآوری در طب

دانش طب از علوم بسیار مهم، ضروری و کاربردی شمرده می‌شود. هدف این دانش حفظ سلامت و درمان بیماری‌ها است. طبیب به‌عنوان کسی که مسئول حفظ صحت و درمان جسم است، رسالت بسیار سنگینی بر عهده دارد. از این رو امیر مؤمنان<sup>علیه السلام</sup> طبیب جاهل را زندانی می‌کرد (ابن بابویه، ۱۳۴۱ق، ۳: ۳۱)؛ زیرا تخصص و تعهد در کار پزشکی ضروری است؛ بنابراین احتیاج به علم طب همواره مورد نیاز بوده و هست. حجج الهی برای این رفع این نیاز نیز توصیه‌هایی فرمودند. بخشی از احادیث امامیه اختصاص در رابطه با علم طب وارد شده است و این نشان‌دهنده اهتمام حجج الهی به طب است.

#### ۴-۱-۱. پیشگیری

موارد پیشگیری بسیار زیاد است که حجج الهی مهم‌ترین آن را کم‌خوری می‌دانند. ایشان به کم‌خوری تأکید بسیاری دارند و فوائد فراوانی را برای آن ذکر فرموده‌اند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۳۲۰). توصیه و تشویق به ختنه‌کردن پسران نیز یکی دیگر از موارد پیشگیری است. حضرت ابراهیم<sup>علیه السلام</sup> اولین کسی بود که مردم را به ختنه امر فرمود (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ۲: ۵۹۶؛ امام رضا<sup>علیه السلام</sup>، ۱۴۰۶ق: ۶۶) حجج الهی از زمان حضرت آدم<sup>علیه السلام</sup> به این مهم سفارش می‌کردند. حضرت ابراهیم<sup>علیه السلام</sup> اولین کسی بود که این عمل را سنت قرار داد. علم جدید نیز ختنه را بسیار پرفایده می‌داند و دانشمندان معتقدند که ختنه کردن، باعث پیشگیری از بیماری‌های مربوطه می‌شود.<sup>۲</sup>

ترکیب برخی گیاهان، استفاده برخی از میوه‌ها و توصیه به رعایت اموری دیگر نیز در

۱. برای اطلاع بیشتر در زمینه نقش حجج الهی در بهداشت به حایة المتتمین مراجعه شود.

2. <https://www.sydney.edu.au/news-opinion/news/2017/02/08/male-infant-circumcision-has-a-200-to-one-risk-benefit--research.html>



پیشگیری از بسیاری بیماری‌ها مؤثر هستند.<sup>۱</sup>

## ۲-۴-۱. درمان

دستورات طبی بسیار زیادی از سوی حجج الهی برای درمان انواع بیماری وارد شده است، البته اغلب مواردی که برای درمان سفارش شده است، برای فرد سالم نیز خاصیت پیشگیری دارد. حجامت یکی از مواردی است که هم اکیداً بدان توصیه شده است و هم خاصیت درمانی برای بیمار و پیشگیری برای فرد سالم دارد. حجامت انواع مختلف دارد که معروف‌ترین آن حجامت میان دو کتف است. امام رضا<sup>علیه السلام</sup> یکی از خواص آن را درمان تپش قلب می‌داند (امام رضا<sup>علیه السلام</sup>، ۴۰۲: ۵۶). علم پزشکی رایج نیز آن را تأیید کرده و اثرات فراوانی از جمله کاهش دردهای شانه، درد ناشی از آنفولانزا، درد قسمت فوقانی کمر،<sup>۲</sup> درمان دیابت،<sup>۳</sup> درمان زونا،<sup>۴</sup> اثرات مثبت روی افسردگی، کاهش سندرم مرگ ناگهانی نوزاد، زنده ماندن کودکان نارس<sup>۵</sup> و در مجموع آن را در درمان بیش از ۵۰ نوع بیماری مؤثر دانسته است.<sup>۶، ۷</sup>

۱. برای اطلاع بیشتر به کتاب مستغفری، ۱۳۸۱، جعفر بن محمد، روش تندرستی در اسلام و طب الإمام الرضا<sup>علیه السلام</sup> (الرسالة الذهبية) مراجعه شود.

2. Cupping therapy for muscles and joints, p. 52. <https://goo.gl/EVwjE9>

3. <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/27840503?dopt=Abstract>

4. <https://journals.plos.org/plosone/article?id=10/1371/journal.pone.0031793>

5. <https://www.liebertpub.com/doi/abs/10/1089/acm.2013/0291> - <https://goo.gl/CeYRTG>

6. <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC3000376>

۷. موارد دیگری هم وجود دارد که ارجاع می‌دهیم. محافظت از قلب:

<https://www.liebertpub.com/doi/abs/10/1089/acm.2013/0291>

اثرات مثبت روی سیستم ایمنی:

<https://www.liebertpub.com/doi/abs/10/1089/acm.2013/0291> - <https://goo.gl/AtHsj6>

اثرات مثبت روی بیماران آنفراکتوس، تنظیم ضربان قلب، اثرات مثبت روی نارسایی قلبی، اثرات مثبت روی نوروپاتی دیابتی: <https://www.liebertpub.com/doi/abs/10/1089/acm.2013/0291> - <https://goo.gl/CeYRTG>.

کاهش تری گلیسیرید و کلسترول خون، کاهش اوریک اسید خون، درمان هایپرلیپیدمیا، درمان فشار خون بالا، درمان افزایش آهن در تالاسمی، درمان هپاتیت، درمان آترواسکلروزیس، درمان نقرس، کاهش دردهای عضلات اسکلتی، درمان هایپر تانسین، درمان بیماری‌های رگ‌های قلبی، محرک تولید مواد ضد میکروبی در بدن:

<http://www.sciencedirect.com/reference/49535>

درمان ناراحتی‌های تنفسی و سرفه، درمان آکنه و جوش صورت، درمان فلج صورت، جلوگیری از تخریب استخوان‌های گردن: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC3289625>

با توجه به مواردی که اشاره شد، معلوم می‌شود که حجج‌الهی به علم طب آگاهی داشتند. از منابعی که برای ارجاع معرفی شد نیز مشخص می‌شود که ایشان به‌طور کامل به گیاهان طبی، منافع و مضار، انواع، محلّ رویدن و چگونگی استعمال آن‌ها آگاه بودند؛ به‌گونه‌ای که پزشکان عصر ایشان و کسانی که در آن زمان به امور طبی اشتغال داشتند، آن را نمی‌دانستند.

### ۵-۱. مهندسی سازه‌های عظیم

مهندسی و ساخت سازه‌های عظیم از دیگر نقش‌های حجج‌الهی در زمینه پیشرفت در صنعت کشتی‌سازی، سدسازی و ساخت بناهای بسیار بزرگ و مواردی از این قبیل بود. حضرت نوح علیه السلام اولین کسی بود که کشتی بسیار عظیمی ساخت (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۲: ۱۴۵). ایشان برای ساخت این کشتی از چوب درخت نخل استفاده کرد (همان). این کشتی عظیم حدود ۶۰۰ متر طول، ۴۰۰ متر عرض و ۴۰ متر ارتفاع داشت (قمی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۳۲۷). طبعاً ساخت چنین کشتی‌ای که قرار بود در طوفان‌های دریا شناور بماند، نیاز به طراحی بسیار دقیق و مهندسی پیشرفته و پیچیده‌ای داشت. بعدها حضرت سلیمان علیه السلام این صنعت را گسترش داد و در جنگ‌های دریایی از آن استفاده کرد (طبرسی، ۱۳۷۱، ۲: ۳۶۲).

حضرت یوسف علیه السلام برای حفظ گندم‌ها در زمان خشکسالی دستور دادند تا سیلوهایی برای گندم درست کنند. علامه مجلسی می‌فرماید: «به نظر می‌رسد ایشان اولین کسی بودند که سیلو برای گندم درست کرد.» (مجلسی، ۱۳۸۴، ۱: ۴۹۴)

حضرت ذوالقرنین علیه السلام اولین کسی بود که دژی محکم میان دو کوه در مقابل حمله یاجوج و ماجوج ساخت (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۲: ۳۴۳). ایشان این سدّ عظیم را از قطعات آهن و مس گذاخته ساختند (کهف: ۹۴-۹۶). امروزه این مهندسی، برای ساخت سدّ و حفظ آب استفاده می‌شود. حضرت ذوالقرنین علیه السلام همچنین برای نخستین بار مسجدی بسیار عظیم، طراحی کرده و ساخت. طول این مسجد ۲۰۰ متر، عرض آن ۱۰۰ متر، ارتفاع آن ۵۰ متر و پهنای دیوارش ۱۱ متر بود. کیفیت ساخت این بنای بزرگ بدین‌صورت بود که ایشان دستور دادند چون از ساختن دیوارها فارغ شدید، درون آن را از خاک پر کنید تا جایی که با دیوارها برابر شود. سپس فرمود مقداری طلا و نقره را به اندازه سر ناخن خرد کنید و با خاک‌ها مخلوط سازید. سپس دستور داد

تیرهایی از مس برای سقف مسجد بسازید و روی دیوارها نصب کنید و ورقه‌هایی از مس را روی آن‌ها بیندازید. سپس به ورقه‌ها و تیرها طوری حرارت بدهید که با هم متصل شده و بچسبند؛ به طوری که پشت بام مسجد همانند زمینی هموار درآید. سپس دستور داد فقرا بیایند و خاک‌های مخلوط با طلا را بردارند. فقرا در نقل و خالی کردن خاک‌ها از فضای درونی مسجد بر یکدیگر سرعت می‌جستند. مسجد را طبق این نقشه ساختند و فقرا خاک‌ها را بیرون بردند و سقف برجا ماند و فقرا به ثروت رسیدند (راوندی، ۱۴۰۹ق-الف، ۳: ۱۱۷۵).

در زمان سلطنت و پادشاهی حضرت سلیمان علیه السلام، صنعت تحوُّلی عجیب داشت. برای اولین بار فلز مس در این دوران کشف شد. خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «معدن مس را برای او ذوب گردانیدیم.» (سبا: ۱۲) امروزه از مس در صنعت‌های مختلف استفاده‌های فراوانی می‌شود. این فلز، راه را برای بسیاری از پیشرفت‌ها هموار کرد. این که حضرت سلیمان علیه السلام مس را در اختیار داشت، معلوم می‌شود که ایشان در زمینه‌های مختلفی از آن استفاده‌های فراوانی می‌کرده است. شاید به همین علّت باشد که علامه مجلسی می‌نویسد: «در زمان حضرت سلیمان علیه السلام، صنعت‌های عجیبی پیدا شد.» (مجلسی، ۱۳۸۴، ۲: ۹۶۰) از دیگر صنعت‌های زمان آن حضرت، ساخت خانه‌ای شیشه‌ای بود که روی آب تعبیه شده بود (نمل: ۴۴). این نیز از پیشرفت‌های آن زمان محسوب می‌شد.

## ۶-۱. کشاورزی

حجج الهی در کشاورزی نیز هم شروع‌کننده بودند و هم باعث رشد و توسعه آن شدند. در گزارش‌های تاریخی آمده است نخستین کسی که آب را در نهر جاری ساخت (و به سمت زمین‌های کشاورزی هدایت کرد و) درخت کاشت و به آبادانی زمین پرداخت نبیط پیامبر بود (تستری، ۱۳۷۲: ۴۳۴). با توجه به این گزارش می‌توان ادّعا کرد که اولین کسی که کشاورزی را شروع کرد حضرت نبیط بود؛ زیرا مهم‌ترین و اولیّات در شروع کشاورزی، مواردی است که در گزارش آمده بود. همچنین می‌توان چنین نتیجه گرفت که او به دانه برای کاشت نیز دسترسی داشته است. بعدها کشاورزی توسط دیگر حجج الهی گسترش پیدا کرد و موانع رشد سالم محصولات کشاورزی، برطرف شد. اولین کسی که علّت کرم‌دار شدن میوه‌ها را بیان کرد، حضرت عیسی علیه السلام بود. ایشان علّت را چنین فرمود: «وقتی درختان را می‌کارید ابتدا خاک ریخته و سپس آب می‌ریزید؛ در حالی که این طور نیست، بلکه سزاوار است که اول آب پای ریشه

درختان ریخته شود، سپس خاک بریزید تا در مویه‌ها کرم پیدا نشود.» (ابن‌بابویه، ۱۳۸۵، ۲: ۵۷۴) حضرت یوسف<sup>علیه السلام</sup> نیز اولین کسی بود که برای فاسد نشدن گندم‌ها برای مدت زمان طولانی، دستور داد گندم‌ها را از خوشه‌ها جدا نکنند (یوسف: ۴۷؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ۳: ۱۷۲). اگر گندم را از خوشه‌ها جدا کنند، توسط سوس<sup>۱</sup> و سایر آفات خورده می‌شود (اشکوری، ۱۳۷۳، ۲: ۵۲۵).

## ۲. نیازهای ایمنی

### ۲-۱. امور نظامی

از ضروریات هر حکومتی، تشکیل ارتشی قوی برای امنیت‌بخشی به جامعه و دفع دشمنان خارجی است. بدیهی است هر حکومتی که از جهت نظامی و امنیت داخلی قدرتمند باشد، خطرات کم‌تری سرزمینش را تهدید می‌کند. از روایات و گزارش‌های تاریخی، تنها ساخت ادوات جنگی و روش‌های جنگیدن توسط حجج‌الهی به‌خصوص امیر مؤمنان<sup>علیه السلام</sup> به دست ما رسیده است.

#### ۲-۱-۱. ادوات جنگی

حضرت داود<sup>علیه السلام</sup> اولین کسی بود که زره ساخت (انبیا: ۸۰). آهن را فتیله می‌کرد و به‌صورت حلقه درمی‌آورد و بهم می‌بافت (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷: ۹۲). او زره‌های فراخ می‌ساخت و حلقه‌ها را درست اندازه‌گیری می‌کرد (سبا: ۱۱). در نتیجه هم سبک بود و هم استحکام داشت (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷: ۹۲). قبل از حضرت داود<sup>علیه السلام</sup> از صفحه‌های آهن به‌عنوان زره استفاده می‌کردند؛ ولی به دلیل سنگینی زیاد توان جنگیدن از جنگجو گرفته می‌شد. در نتیجه جنگیدن برایشان سخت می‌گشت (مجلسی، ۱۳۸۴، ۲: ۹۰۰).

#### ۲-۱-۲. شیوه‌های جنگیدن

از دیگر تأثیرهای حجج‌الهی در امور نظامی، شیوه‌ها و تاکتیک‌های جنگی، چگونگی تجهیز سپاه، دستورالعمل‌ها، زمان جنگ و دیگر راهکارها برای غلبه بر دشمن بود. از شیوه‌ها و تاکتیک‌های جنگی پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> این بود که ایشان هنگامی که لشکری را به‌سوی گسیل می‌داشت، امیری برایشان می‌گماشت و از کسان مورد اعتماد خود، شخصی را روانه

۱. شپش گندم.

می‌کرد تا از احوال آن امیر جست‌وجو کند و پیامبر را بی‌اگاهانند (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۳۴۲). این کار باعث می‌شد در صورت خیانت فرماندهان، به‌سرعت اقدامات لازم انجام شود تا لشکر شکست نخورد.

اما توصیه‌ها و دستورالعمل‌های جنگی بسیاری برای چگونگی به جنگ دشمن رفتن از امیر مؤمنان علیه السلام به دست ما رسیده است که هر کدام دقیق و کارآمد محسوب می‌شوند. برخی از این دستورات از جهت تقویت روانی و نترسیدن سربازان و برخی دیگر شیوه و تاکتیک‌های جنگی بود. عمل به این دستورالعمل‌ها بود که باعث پیروزی سپاه حضرت در سه جنگ جمل، صفین و نهروان شد.

امیر مؤمنان علیه السلام در این رابطه چنین فرمودند: «وقتی بر دشمن وارد شدید یا دشمن بر شما وارد شد، باید لشکرگاه شما در محلی بلند یا دامنه کوه‌ها یا بین رودها قرار گیرد تا شما را مدد باشد و از دسترسی دشمن جلوگیری کند. باید جنگ شما (با دشمن) از یک‌سو یا دوسو باشد؛ (زیرا لازمه جنگیدن از چند طرف پراکندگی و ضعف و شکست است). بر قله کوه‌ها و فراز تپه‌ها نگیانانی بگمارید تا دشمن از نقطه‌خطر یا محلی که مورد اطمینان شما است، به شما حمله نکند. بدانید جلوداران لشکر دیده‌بانان ایشانند و دیده‌بانان جلوداران لشکر، جاسوسان هستند (یعنی باید چند تن جاسوس جلو و دیدبانان لشکر دنبال آن‌ها و لشکر پس از ایشان بروند تا از کار دشمن آگاه بوده در هر موضوع دانسته اقدام نمایند). از پراکندگی و تفرقه پرهیزید. هرگاه فرود آید، همگان فرود آید و زمانی که کوچ می‌کنید همه کوچ نمایید. چون شب فرا رسد، نیزه‌ها را گرداگرد خود (دایره‌وار) قرار دهید (تا اگر دشمن شبیخون زند، وسایل دفاع در دسترس باشد) خواب را نچشید (به خواب راحت نروید)، مگر اندک یا مانند آب در دهان گردانیدن و بیرون ریختن. (چرت بزنید نه به آسوده بخوابید شاید دشمن بیدار و درصدد شبیخون باشد).» (شریف‌رضی، ۱۴۱۴ق: ۳۷۱، ۳۷۲، ۹۷ و ۱۸۰)

## ۲-۲. قضاوت

یکی از حیاتی‌ترین مناصب حکومت، قضاوت است. چراکه خون، آبرو و اموال مردم تحت حکم قاضی است. بنابراین نسبت به انتخاب قاضی، شرایط و احکام قضاوت، باید با احتیاط و دقت لازم عمل شود تا حقی ضایع نگردد. حجج الهی در مورد این بخش با اهمیت و مسائل مربوط به آن نیز قوانینی وضع فرمودند.

### ۱-۲-۲. قاضی و شرایط حکم کردن

نسبت به انتخاب قاضی همچنین شرایط و حالات او در حین قضاوت حتی به جزئیات تأکید شده است. قاضی نباید یکی از دو طرف دعوا را به عنوان میهمان قبول کند. (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۳: ۱۲) چرا که ممکن است این میهمانی در حکم او اثر داشته باشد. نباید عجله کند و قبل از شنیدن سخن طرفین دعوا حکم کند. (همان، ۳: ۱۳) نباید در مجلس قضاوت با کسی زمزمه کند. (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۴: ۶۵۵) این کار باعث می‌شود اذهان طرفین دعوا مشوش گردد. قاضی حق ندارد در حال خشم و غضب داوری کند، بلکه در صورت خشم باید از جا برخیزد (و مجلس قضاوت را ترک کند) و چند قدم بردارد تا غضبش فروکش کند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۳: ۱۴). همچنین نباید در حال گرسنگی و چُرت حکم کند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۴: ۶۵۲؛ ر.ک ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ۲: ۵۳۷)؛ زیرا این حالات در حکم او تأثیر منفی می‌گذارد. قاضی حتی در نگاه کردن به طرفین دعوا نیز باید مساوات را رعایت کند. یعنی نباید برای هیچ‌یک خصوصیتی در نشست و برخاست و تعارفات قائل باشد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۳: ۱۴). او باید به اخلاق نیک قضاوت کند تا نزدیکان امید بی‌جا در تجاوزکاری نبندند و بیگانگان و دشمنان هم از عدل مأیوس نشوند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۴: ۶۵۲). همچنین نباید کسی را با برهنه کردن، ترساندن، زندانی کردن، تهدید کردن (همان، ۱۴: ۲۴۵) یا کتک‌زدن مجبور به اعتراف کنند. اگر به جرمی اقرار کند، علیه او چیزی مؤثر نیست و حدی بر او جاری نمی‌شود (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ۲: ۴۶۶).

یکی از شرایط قاضی، مذکر بودن است و در شریعت اسلامی زنان نمی‌توانند به عنوان قاضی منصوب شوند. (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۴: ۳۶۴) به نظر می‌رسد یکی از دلایل این محدودیت، غلبه احساس بر عقل در اغلب بانوان است. قوانین اهل بیت علیهم‌السلام با توجه به موضوع حکم به دائمی و غالبی تقسیم می‌شود. غلبه احساس بر عقل در زنان غالبی است. یعنی دید اغلب زنان به قضایا احساسی است و به ندرت زنانی یافت می‌شوند که عقلشان بر احساسشان حاکم باشد. بنابراین حکم هم نسبت به اکثر وضع می‌شود<sup>۱</sup> و از آن‌جا که در منصب قضاوت امور احساسی جایگاهی ندارد و این منصب جایگاه امور مهمی چون خون، مال و آبروی مؤمن

۱. مثال امروزی این مطلب قوانین راهنمایی و رانندگی است؛ به‌عنوان مثال، قانون‌گذار چراغ قرمز را برای توقف وضع کرده است. وقت شلوغ و خلوت دخیلی در حکم ندارد، با این‌که غالباً خطر مواقع شلوغ است. بنابراین اگر راننده‌ای در اوقات خلوت مانند نیمه‌های شب از چراغ قرمز عبور کند جریمه می‌شود.

است، زنان از تصدی چنین منصبی منع شده‌اند، البتّه این منع نقیصه‌ای برای ایشان نیست؛ زیرا خداوند بر اساس حکمت خویش، احساس و عواطف را در زنان بیشتر قرار داده است تا در جایگاهی که در زندگی دارند، بهتر ایفای نقش کنند.<sup>۱</sup>

### ۲-۳. قوانینی برای بازدارندگی از جرم

لازم است در هر حکومتی قوانینی بازدارنده از جرم وضع شود. حاصل شدن جامعه‌ای با امنیت به همراه کاهش جرم و جنایت وابسته به وضع قوانینی این چنینی است. این قوانین نسبت به جرم‌های مختلف شدت و ضعف پیدا می‌کند. حجج الهی در این رابطه و نسبت به کیفیت اجرای آن، قوانینی وضع فرموده‌اند. به دو نمونه مهم اشاره می‌کنیم:

#### ۱-۳-۲. زندانی کردن

یکی از راه‌های بازدارنده از جرم، زندانی کردن است. تمامی حکومت‌ها در زندان کردن مجرم مشترک هستند. فرق در کیفیت و کمیت آن است؛ یعنی چه افرادی با چه جرمی و چه شرایطی مستحق زندان رفتن هستند. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «بر امام واجب است که سه گروه را حبس کند. (۱) علمای فاسق، (۲) پزشکان جاهل و (۳) کسانی که ورشکسته شده‌اند، اما هنوز از این و آن اخاذی می‌کنند و بر بدهی خود می‌افزایند<sup>۲</sup> یا بدهکارانی که با وجود دارایی بدهی خود را به تأخیر می‌اندازند.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۳: ۳۱) از زندانی کردن این سه دسته، اهمیت و مسئولیت کار ایشان نیز مشخص می‌شود. در واقع سلامت اعتقادی، جسمانی و اقتصادی جامعه مرهون عهده‌داران این سه حوزه است. کسی که به‌عنوان عالم دینی شناخته می‌شود و مردم، دین را به او می‌شناسند، نباید حرکتی خلاف دین انجام دهد؛ چه بسا عموم مردم نسبت به دین بدبین شده و به انحراف کشیده شوند. طبیب جامعه نیز همین‌طور است. کار او صحت و سلامتی مردم است؛ بنابراین تخصص و تعهد در کارش ضروری است.

امیر مؤمنان علیه السلام سه گروه دیگر را نیز زندانی می‌کرد: (۱) غاصب، (۲) کسی که مال یتیمی را به ستم خورده است و (۳) کسی که او را بر امانتی امین دانسته‌اند و او امانت را از بین برده است. اگر حضرت برای این شخص مالی می‌یافت، آن را می‌فروخت (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۲۹۹). سیره امیر مؤمنان علیه السلام در برخورد با زندانیان این‌گونه بود که از بیت‌المال آنان را اطعام می‌داد

۱. مانند روابط مادر و فرزند و مسائل مربوط به آن.

۲. در روایت عبارت «الْمَقَالِيسَ مِنَ الْأَكْرِيَاءِ» آمده است. شاید منظور حضرت نوعی کلاهبرداری باشد.

(همان، ۶: ۱۵۳). ایشان در جایی فرمود: «احسان به زندانی بر زندان‌بان واجب است.» (حمیری، ۴۱۳ق: ۸۷) از آن‌جا که حضرت برای احسان به زندانی از کلمه وجوب استفاده می‌کنند، اهمیت احسان بر زندانی روشن می‌شود. ایشان همچنین نسبت به لزوم نفقه مرد به زن می‌فرمود: «مرد بر دادن نفقه به همسرش مجبور می‌شود. اگر انجام ندهد زندانی می‌گردد.» (ابن اشعث، بی تا: ۱۰۹)

امیر مؤمنان علیه السلام پیوسته شهادت‌دهنده به باطل (دروغ) را دستگیر می‌کرد، اگر بازاری بود به بازارش می‌فرستاد تا او را بگردانند. پس از آن چند روزی زندانی‌اش می‌کرد، سپس او را آزاد می‌ساخت (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۲۸۰).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مورد اتهام قتل، متهم را شش روز زندانی می‌کرد. اگر اولیای مقتول شاهد و دلیلی می‌آوردند، به آن حکم می‌فرمود، وگرنه متهم را آزاد می‌نمود (همان، ۱۰: ۱۷۵).

### ۳. نیازهای اجتماعی

#### ۳-۱. حقوق و روابط اجتماعی حاکم و رعیت

برای نظم و عدم هرج و مرج در امور حاکم و رعیت، نیاز به تنظیم حقوقی در این رابطه است. حجج الهی بر این حقوق تأکید داشتند و برنامه‌های حکومتی خود را بر اساس این حقوق استوار می‌کردند.<sup>۱</sup> امام باقر علیه السلام در این رابطه چنین می‌فرماید: «حقّ امام (و حاکم جامعه) بر مردم این است که از او بشنوند و فرمان ببرند. حقّ رعیت بر امام، آن است که (بیت‌المال را) میان آن‌ها برابر تقسیم کند و با رعیت به عدالت رفتار کند.» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۲: ۳۴۲) از این رو، اگر امام حقوق مردم - که مهم‌ترین آن تقسیم عادلانه بیت‌المال است - را به شکل صحیح انجام دهد و در مقابل، رعیت تابع فرامین حاکم جامعه باشند، مشکلات و ناخشنودی‌های حاکم و رعیت از بین خواهد رفت.

#### ۳-۱-۱. چگونگی تقسیم بیت‌المال

از دیگر نقش‌های حجج الهی، اصلاح روش تقسیم بیت‌المال بود. از آنجایی که بیت‌المال حقّ عموم مردم است، حاکم جامعه باید نهایت دقت خود را جهت رعایت عدالت و مساوات در تقسیم آن به کار گیرد و در موارد مصرف آن بسیار دقت کند. بنابراین بیت‌المال طبق صلاح و تصمیم

۱. منظور حجّت‌هایی هستند که به حکومت ظاهری رسیدند؛ مانند امیر مؤمنان علیه السلام.



حاکم باید هم در منافع عمومی جامعه صرف شود هم سهم هر شخص جدا پرداخت شود. از گزارش‌های موجود در احادیث فقط روش تقسیم بیت‌المال توسط امیر مؤمنان علیه السلام به دست ما رسیده است. با شروع خلافت حضرت، ایشان در تقسیم بیت‌المال شیوه خلفا را ملغی و روش پیامبر صلی الله علیه و آله را در دستور کار گرفتند. روش پیامبر صلی الله علیه و آله، از آغاز بر عدالت‌محوری و مساوات بود؛ ولی عمر در زمان خلافتش می‌گفت کسانی که سوابق اسلامی نصیب آنان گشته را بر دیگران مقدم می‌دارم و به آنان مبلغ بیشتری می‌دهم. خلفا<sup>۱</sup> بیت‌المال را بر سبیل ارث تقسیم می‌کردند؛ یعنی همان‌طور که در ارث، نزدیکان بیشتر سهم می‌برند، کسانی هم که سابقه بیشتری داشتند، سهم بیشتری می‌بردند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۱۴۶). طبیعتاً بازگشت روش تقسیم بیت‌المال به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بر اشراف‌زادگان سنگین بود؛ از همین رو بر امیر مؤمنان علیه السلام سخت اعتراض می‌کردند و باعث مشکلاتی بر حضرت شدند. با این حال، حضرت از شیوه خود دست برنداشتند. اصلاح تقسیم بیت‌المال باعث شد تا در زمان خلافت اندک ایشان، وضع معیشتی عموم جامعه سامان یابد و اختلاف طبقات اقتصادی کم شود.

امیر مؤمنان علیه السلام بیت‌المال را یکسان بین مردم تقسیم می‌فرمود؛ به‌طوری‌که میان غنی و نادر، آزاد و برده سیاه فرقی قائل نمی‌شد (مفید، ۱۴۱۳ق-الف: ۱۵۱). به طلحه و زبیر -که از اشراف بودند- همان مقدار می‌داد که به برده آزاد شده داده بود. وقتی با تندی به ایشان گفتند که چرا در تقسیم بیت‌المال میان همه مساوات برقرار می‌کند و سابقه و شرافت افراد را در نظر نمی‌گیرد، ایشان فرمود: «آیا به من امر می‌کنید تا با ستم کردن در حق کسانی که بر آنان حکومت دارم، پیروزی بجویم؟!» (شریف‌رضی، ۱۴۱۴ق: ۱۸۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک: طوسی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۱۴۶؛ ۱۰: ۱۵۱؛ مفید، ۱۴۱۳ق-ب: ۱۷۵؛ شریف‌رضی، ۱۴۱۴ق: ۳۷۷؛ ابن‌حیون، ۱۳۸۵ق، ۱: ۳۸۴؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۰۴ و ۶۸۶؛ دیلمی، ۱۴۱۲ق، ۲: ۳۲۱؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۵: ۱۷۵؛ ثقفی، ۱۳۹۵ق، ۱: ۴۵، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۸، ۶۳، ۶۴، ۶۶ و ۷۰)

## ۳-۱-۲. برخورد با خیانت‌کاران

حجج‌الهی در مورد کیفیت مجازات فردی که در یکی از بخش‌های حکومتی، خیانتی کرده

۱. خلفاء ثلاثه. به نظر می‌رسد ابوبکر بعد از غصب خلافت، تا مدتی روش پیامبر صلی الله علیه و آله را ادامه داد؛ ولی این به‌معنای عدالت‌ورزی او نبود؛ زیرا می‌تسید تغییر یک‌باره روش تقسیم بیت‌المال، منجر به شورش شود و به‌همین خاطر ناچار شد تا مدتی روش پیامبر صلی الله علیه و آله را عوض نکند.

یا حقی را ضایع ساخته است، دستور می‌فرمودند نسبت به کار خلافی که مرتکب شده است، مجازات شود تا دیگران طمع در خیانت نکنند. در دوران حکومت امیر مؤمنان<sup>علیه السلام</sup> به آن حضرت خبر رسید که ابن‌هرمه، مأمور حکومتی ناظر بر بازار اهواز، مرتکب خیانتی شده است. حضرت پس از اطلاع، به رفاعه، فرماندار خود در اهواز نوشت او را - به سختی و به کیفیتی که حضرت بیان فرمودند - مجازات کن (ابن‌حیون، ۱۳۸۵ق، ۲: ۵۳۲). بنابراین برخورد و مجازات شدید با خائنان اموال مردم، راه را بر خیانت‌های بعدی می‌بندد و سبب می‌شود انگیزه و جرأت عمال حکومتی بر خیانت نیز سرکوب گردد.

### ۳-۱-۳. استثناءهای پرداخت بدهی و بدهکار ورشکسته

از دیگر اموری که حجج‌الهی بدان دستور می‌فرمودند این بود که برخی از اموال بدهکار از پرداختی‌های بدهی او استثناء می‌شود. یکی از آن موارد خانه بدهکار است. بنابراین بر بدهکار لازم نیست که خانه‌اش را برای پرداخت بدهی بفروشد. همچنین حاکم یا طلبکار نیز حق ندارند خانه بدهکار را مصادره کنند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۹: ۵۸۹ و ۵۹۴ و ۱۰: ۲۹۳؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ۳: ۱۹۰). این مسئله آن‌جا با اهمیت می‌شود که امام صادق<sup>علیه السلام</sup> به برید عجلی که از ایشان پرسیده بود من به یتیمان بدهکارم و می‌ترسم که اگر مزرعه‌ام را بفروشم، دست‌خالی بمانم، فرمود: «مزرعات را نفروش؛ بلکه بخشی از آن را بفروش و مقداری از بدهی را پرداخت کن و بخشی را نگهدار.» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۹: ۵۸۹)

اگر خانه بدهکار بزرگ است؛ به طوری که صاحب آن می‌تواند به بخشی از آن بسنده کند، وظیفه دارد در همان مقداری که نیاز دارد، ساکن شود و با بقیه آن بدهی‌اش را بپردازد. همچنین اگر خانه‌ای ارزان‌تر برای وی کافی و در شأن او است، باید خانه گران را بفروشد و با بهایش خانه‌ای برای سکونت خریداری کند و با باقیمانده آن بدهی‌اش را بپردازد (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ۳: ۱۹۰؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۱۹۸).

یکی دیگر از استثناءهای بدهی خوراک بدهکار است. بر بدهکار لازم نیست از خوراک معمول و در شأنش صرف‌نظر کند و طلبش را بپردازد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۱۹۴).

از دیگر فرمایش‌های حجج‌الهی، طریقه برخورد با بدهکار ورشکسته است. امیر مؤمنان<sup>علیه السلام</sup> بدهکار را بازداشت می‌کرد، آن‌گاه درباره او تحقیق می‌کرد. اگر مال داشت، به طلبکار می‌پرداخت و اگر مالی نداشت، به آنان می‌فرمود اگر می‌خواهید او را اجیر کنید (همان، ۶: ۱۳۲)

۱۹۶ و ۶: ۳۰۰)، البتّه این مورد برای وقتی است که بدهکار مانعی نمی‌بیند تا خودش به جای بدهی برای طلبکار کار کند؛ ولی قاعده کلی همان بود که سابق عرض شد؛ یعنی طلبکار باید به بدهکار مهلت دهد. اگر باز مالی به دست نیاورد و شرایط پرداخت از بیت‌المال را داشت، بدهی را امام از بیت‌المال می‌پردازد.

#### ۳-۱-۴. حقوق بازنشستگی

از نوآوری‌هایی که امیر مؤمنان علیه السلام برای دنیا به یادگار گذاردند، پایه‌گذاری حقوق بازنشستگی و از کارافتادگی بدون پرداخت حق بیمه بود. ایشان در کوچه‌ها راه می‌رفت که دیدند پیرمرد کور سالخورده‌ای از مردم گدایی می‌کند. حضرت از مردمی که پیرامون او بودند، پرسید: این کیست؟ گفتند: ای امیرمؤمنان پیرمردی مسیحی و از کار افتاده است. امام با عصبانیت فرمود: «تا جوان بود، از او کار کشیدید و حالا که پیر شده رهاش کردید؟» سپس برای آن مرد از بیت‌المال به‌صورت مادام‌العمر مقرری تعیین نمودند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۲۹۳). امروزه همین سیاست حضرت، به صورت بیمه بازنشستگی در تمام ممالک جهان پیاده شده است.

#### ۳-۱-۵. مستحقان وام از بیت‌المال

از مهم‌ترین مسائلی که حاکم جامعه باید بدان بپردازد و قانونی دقیق برای آن وضع کند، مستحق وام از بیت‌المال است. این قانون باید به شکلی باشد که وام به صاحب واقعی آن برسد. پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از مستحقان وام را کسی می‌داند که بیش از چهل روز گوشت نخورده است و توان خرید آن را ندارد (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۲: ۴۲۰). امام صادق علیه السلام علت استحقاق او را عوارض سوء اجتماعی می‌داند؛ زیرا کسی که ۴۰ روز، خوردن گوشت را ترک کند، بدخلق شده و عقلش فاسد می‌شود (ابن‌اسطام، ۱۴۱۱ق: ۱۳۹). بدیهی است مردمی که به علل مختلف توان خرید گوشت را ندارند، بدخلق شده و به تبع، آثار بد آن در خود شخص، خانواده و جامعه پدید می‌آید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای دفع این آثار و سلامت روانی جامعه چنین دستوری دادند. بنابراین ریشه یکی از رفتارهای مخاطره‌انگیز جامعه، نتیجه توجّه نداشتن به همین نکته است.

#### ۳-۱-۶. شرایط وام و برخورد حاکم با بدهکاران

حجج الهی بسیار به قرض دادن تأکید داشتند تا جایی که قرض دادن را بر صدقه ترجیح می‌دادند. (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ۱۳۸) از طرفی چون این عمل محل خُلف وعده و اختلاف است، تدوین قانونی هم برای آن ضروریست. از این رو حجج الهی برای آن قوانینی برشمردند.

نوشتن سند (بقره: ۲۸۲ و ۲۸۳ و ابن بابویه، ۱۳۸۵، ۲: ۵۵۳)، مهلت دادن به بدهکار تنگدست (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ۱۳۹) از جمله این قوانین است؛ ولی مهم‌ترین آن این است که بر امام و حاکم جامعه -با شرایطی که ذکر می‌شود- لازم است بدهی بدهکارانی که توان پرداخت دین خود را ندارند، بپردازد. احادیث فراوانی وجود دارد که پیامبر ﷺ و امیر مؤمنان ﷺ که حکومت ظاهری را در اختیار داشتند، به این روش عمل می‌کردند.

اگر بدهکار یا کسی که از بیت‌المال وام گرفته است، از دنیا برود بر حاکم و امام جامعه لازم است بدهی او را پرداخت کند. امام کاظم ﷺ در این زمینه می‌فرماید: «اگر کسی در به دست آوردن روزیش شکست خورد و موفق به تحصیل آن نشد، به حساب خداوند و پیامبر برای قوت و غذای خانواده‌اش وام بگیرد. پس اگر توان پرداخت آن را نداشت و از دنیا رفت، امام و پیشوای جامعه، باید آن را بپردازد و اگر نپردازد، حاکم گناهکار است؛ زیرا خداوند در قرآن می‌فرماید: همانا صدقات (زکات) برای تهیدستان، بینویان، کارگزاران آنان، جلب قلوب کافران، آزادی بردگان و بدهی وامداران است.» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۹: ۵۸۰؛ توبه: ۶۰) یکی از آن موارد، دادن بدهی بدهکاران است، البتّه با شرایطی که امام رضا ﷺ در روایت مفصّلی، بخشی از آن را بیان می‌فرماید (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۹: ۵۸۱ و ۲: ۳۴۹).

شرط دیگر پرداخت بدهی بدهکار توسط امام این است که در راه اسراف و فساد مصرف نکرده باشد. در این زمینه رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «هر مؤمنی که بمیرد و وامی به جا گذارد که در اسراف و فساد نبوده باشد، بر امام است که آن را بپردازد و اگر نپرداخت گناهش بر او است؛ زیرا خدا در قرآن می‌فرماید: همانا صدقات برای تهیدستان، بینویان، کارگزاران آنان، جلب قلوب کافران، آزادی بردگان و بدهی وامداران است و او از قرضداران است و نزد امام سهمی دارد و اگر امام آن را نگاه دارد گناهش بر او است» (همان، ۲: ۳۴۷) (برای اطلاع بیشتر ر.ک: طوسی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۲۱۱؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ۲: ۳۴۷).

امیر مؤمنان ﷺ درباره بدهکاری که در پرداخت بدهی اش کوتاهی کرده بود، حکم کرد که وی را زندانی کنند؛ سپس به وی دستور دهند تا اموالش را میان طلبکاران تقسیم کند و اگر از انجام این کار خودداری کند، بخشی از اموالش فروخته و میان طلبکاران تقسیم می‌شود (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۶: ۲۳۲)، البتّه این برای شخصی است که توان پرداخت بدهی را دارد و عمداً طلبش را پرداخت نمی‌کند (برای اطلاع بیشتر نسبت به حقوق و روابط اجتماعی حاکم و رعیت ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۷: ۲۴۲).

## ۲-۳. تجارت

از اموری که حجج الهی بدان اهتمام ورزیده و مردم را ترغیب و تشویق بدان فرمودند، تجارت و دادوستد است. اهمیت کسب و کار تا آنجا مهم شمرده شده است که رسول خدا ﷺ فرمودند: «من دشمن دارم آن کس را که کار را ترك کند و دهان به روی آسمان بگشاید و بگوید: خداوندا مرا روزی ده.» (ابن بابویه، ۱۳: ۴۱۳، ۳: ۱۹۲)

از آنجایی که غالباً تجارت محل نزاع و اختلاف فراوان است؛ وضع قوانینی برای آن ضروری می‌شود. حجج الهی در این رابطه نیز قوانینی برای پیشگیری از اختلاف و عدم زیان فروشنده و خریدار وضع کردند و دستور به یادگیری آن دادند. امیرالمؤمنین بر فراز منبر دو مرتبه فرمودند ای گروه تجار اول یاد گرفتن احکام معاملات، بعد تجارت. (همان، ۳: ۱۹۴) نتیجتاً با اعمال این قوانین زمینه‌های فساد و سرقت در معاملات کاسته می‌شود. این ضوابط در غالب سه بخش آداب و قواعد تجارت، قوانین فسخ معامله و معاملات ممنوع آورده و تحلیل می‌شود.

### ۱-۲-۳. آداب و قواعد تجارت

برای جلوگیری از اختلاف در معاملات، تنظیم سند و شاهد گرفتن بر آن لازم است (بقره: ۲۸۲ و ۲۸۳). حضرت آدم اولین کسی بود که برای جلوگیری از اختلاف در معاملات، دستور نوشتن سند داد (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ۲: ۵۵۳).

پیمانانه و ترازو از ابزاری بود که حجج الهی آن را وارد معاملات کردند. این کار سبب شد تا معامله دقیق باشد و کسی متضرر نشود. اول کسی که پیمانانه و ترازو ساخت و از آن استفاده کرد، حضرت شعیب بود (راوندی، ۱۴۰۹ق-ب: ۱۴۲) بعد از گذشت قرن‌ها هنوز پیمانانه و ترازو کاربرد دارد.

رسول خدا یادگیری و عمل به پنج شرط منع ربا، منع سوگند، پنهان نمودن عیب کالا، مدح کالا هنگام فروش و پست کردن آن هنگام خرید برای کسی که می‌خواهد وارد معامله شود را لازم دانستند. ایشان تأکید کردند هر کس این پنج شرط را رعایت نکند، نه بخرد و نه بفروشد (ابن بابویه، ۱۳: ۴۱۳، ۳: ۱۹۴).

پیامبر خدا در خصوص معامله و سودخواهی با منزل شخصی، مزرعه و آب، چنین فرمودند: «هر کس خانه‌ای را بفروشد و پولش را در خرید خانه دیگری مصرف نکند، برای وی برکت نخواهد داشت.» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ۱: ۱۰۸) این سفارش پیامبر راه‌حل بسیاری

از مشکلات است؛ چرا که اگر شخصی منزلش را بفروشد و خانه‌ای دیگر تهیه کند، خوب است؛ ولی اگر پول فروش خانه‌اش را در راه تجارت مصرف کند، خطر بزرگی مرتکب شده است؛ زیرا ممکن است از آن تجارت سالم خارج نشود و خانه‌اش را از دست بدهد و زیان ببیند. در مورد فروش مزرعه و آب هم حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: «اگر با آن مال، مثلش را خریداری نکند، پولش نابود می‌شود.» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۹: ۵۷۴) دو نکته در اینجا وجود دارد: اولاً باید توجه داشت که منع امام غالی است؛ یعنی کسانی که برای ثروت و سود بیشتر منزل خود را می‌فروشند هم دچار نگرانی و اضطراب شده و هم خطر بزرگی می‌کنند و احتمال از دست دادن آن زیاد است. ثانیاً این توصیه برای کسانی است که بیش از یک خانه، مزرعه یا آب ندارند.

امیر مؤمنان علیه السلام هر روز اول صبح به بازار می‌رفت. بر سر هر رهگذری می‌ایستاد و فریاد می‌زد: «ای جماعت تجار با روی خوش، زبان نرم و حُسن خُلق با مشتریان و مراجعه‌کنندگان روبه‌رو شوید. خود را با بردباری بیارایید و از ستم دوری کنید. با مظلومان انصاف داشته باشید. به ربا نزدیک نشوید. پیمان‌ها و وزن را درست حساب کنید. حق کسی را کم ندهد و در زمین فساد راه نیندازید.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۳: ۱۹۳)

امام صادق علیه السلام برای رواج کسب‌وکار صنعت‌گر سه خصوصیت مهارت، امانت و رضایت خریدار را لازم دانستند (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴ق: ۳۲۲).

امام کاظم علیه السلام فروش در مکان‌های سایه و کم نور را غش و فریب در معامله می‌دانستند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۰: ۴۷). بنابر فرمایش امام به نظر می‌رسد معامله کردن با نور فروان نیز فریب و غش در معامله باشد؛ چرا که با روشنایی بیش از حد، کالا را در نظر خریدار بهتر جلوه می‌دهد و توجه او را بیشتر جلب می‌کند؛ در حالی که واقعیت کالا این‌گونه نیست.

## ۲-۳. قوانین فسخ معامله

حجج‌الهی برای حفظ حقوق و عدم ضرر فروشنده و خریدار نسبت به فسخ معامله قوانین دقیقی وضع کردند. با شرایطی که ذکر می‌شود، هر کدام از فروشنده و خریدار حق فسخ دارند: ۱. تا زمانی که فروشنده و خریدار محلّ دادوستد را ترک نکردند، هر کدام حق فسخ دارند. به محض ترک محلّ معامله، حق فسخ برای طرفین از بین می‌رود، مگر این‌که از حقوق دیگر که ذکر می‌شود، برای فسخ استفاده شود. ولی اگر کالای مورد معامله، حیوان باشد، خریدار تا سه

روز حَقِّ فسخ دارد (همان). در دو صورت حَقِّ فسخ همیشه وجود دارد: اول، این که کالای مورد معامله معیوب باشد. دوم، این که در حین انجام عقد شرط کنند که هر زمان صلاح دیدند، معامله را فسخ کنند.

۲. اگر فروشنده، کالا را به قیمت بسیار زیادی بفروشد مشتری حق فسخ دارد (ابن حبیون، ۱۳۸۵ق، ۲: ۳۱).

۳. اگر کسی کالایی خریداری کند، اما نه کالا را تحویل بگیرد و نه بهای آن را بپردازد، در این صورت خریدار و فروشنده تا سه روز باید تکلیف معامله را روشن کنند. اگر خریدار طی سه روز بهای کالا را بپردازد و جنس را تحویل بگیرد، معامله قطعی می شود؛ ولی اگر نیاید، بعد از سه روز حَقِّ نسبت به کالا ندارد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۷: ۲۲).

از آداب فسخ معامله این است که اگر خریدار به هر دلیلی قصد فسخ معامله را داشت، فروشنده در صورت تمایل قبول کند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۳: ۱۹۶)، حَقِّ پیامبر خدا به حکیم بن حزام اجازه تجارت نداد تا این که به ایشان تضمین داد که معامله شخص پشیمان را فسخ کند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۰: ۱۸).

### ۳-۲-۳. معاملات ممنوع

تنوع در معاملات بسیار زیاد است. غالب این دادوستدها به ضرر خریدار و در برخی موارد به ضرر فروشنده است. حجج الهی با ممنوع شمردن برخی این معاملات، از ضرر در معامله جلوگیری کردند. یکی از این معاملات ممنوع، دادوستد به صورت ربوی است (همان، ۹: ۷۵۵). به طور مسلم ربا، ظلم در حَقِّ قرض گیرنده است. از طرفی، قرض دهنده اگر ربا ندهد، سودی نمی برد؛ بنابراین خسارت می بیند. در صورت خسارت بایع حجج الهی می فرمایند: «بایع ضرر نمی کند چون با معامله کردن بدون ربا، احسان و نیکی به هم نوعش کرده است.» (همان، ۹: ۷۵۲) در واقع حجج الهی به این نوع دادوستد به دید معامله نگاه نمی کردند و همواره تأکید به قرض دادن می کردند و برای سودخواهی به معاملات دیگر تشویق می کردند، ولی مردم چون دنبال سود بی زحمت بودند، ربا می دادند؛ بنابراین تجارت و کسب را ترك می کردند و در پی تولید مایحتاج زندگی خود نمی رفتند. پس خداوند ربا را حرام فرمود تا مردم به سوی تجارت و خرید و فروش بشتابند و قرض بی بهره میانشان باقی بماند (ابن بابویه، ۱۳۸۵ق، ۲: ۴۸۲ و ۴۸۳).

### ۳-۳. تنظیم نظام مالی نوین

از ابداعات مالی حجج الهی، ساختن نظام خمس، زکات و مالیات است. ثمره ساختن این نظام مالی، کاهش اختلاف طبقات اقتصادی مردم و از بین رفتن فقر در جامعه است. در واقع با این شیوه بخش اندکی از مازاد اموال ثروتمندان به فقرا می‌رسد؛ طوری که نه از ثروت ثروتمندان کاسته می‌شود و نه فقرا با تنگدستی دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

#### ۳-۳-۱. خمس

کیفیت گرفتن و مصرف خمس بدین‌صورت است که ثروتمندان یک‌پنجم از مازاد منفعت کسب خود را به این شرط که یک‌سال از آن بگذرد و مصرف نکنند، به امام می‌دهند. این مبلغ باید به دو بخش تقسیم شود. یک قسمت آن به امام می‌رسد و ایشان در هر امری که صلاح ببیند، مصرف می‌کند و بخش دیگر، به سادات یتیم یا سید فقیر یا سید در راه مانده می‌رسد؛ بنابراین سادات سهمی در صدقه واجب و همچنین زکات ندارند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۴: ۱۲۷).

#### ۳-۳-۲. زکات

مورد دیگر زکات است. زکات نیز مانند خمس سهمی در کاهش فقر دارد؛ چون باعث می‌شود که زاد و توشه مستمندان از این طریق باشد (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۷: ۱۱). زکات از نه شیء گرفته می‌شود که عبارت است از: طلا، نقره، شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش. اگر این نه شیء به حد و نصاب خاصی برسند، بر صاحبان آنان لازم است که مقداری از آن را به امام و حاکم جامعه بدهند.

مصارف زکات، فقرا، مساکین،<sup>۱</sup> کارگزاران زکات، کسانی که (با گرفتن زکات) دل‌هایشان به اسلام الفت می‌پذیرد، (آزادی) بردگان، (پرداخت دیون) بدهکاران، (انجام هر کار خیری) در راه خدا و کسی که در راه مانده است و پولی برای برگشت به وطنش ندارد، است (توبه: ۶۰). اگر زکات به مقداری برسد که تمام زیرمجموعه خود را پوشش دهد، هر بخش سهم خود را می‌برد؛ ولی اگر مقدار آن کم باشد، امام جامعه با صلاحی که می‌بیند در امور ضروری‌تر صرف می‌کند.

#### ۳-۳-۳. مالیات

مورد بعدی مالیات یا همان خراج است. این مبلغ از اهل ذمه (غیرمسلمانانی که با شرایطی

۱. مسکین به کسی گفته می‌شود که از شدت بی‌نواهی چاره‌ای جز گدایی ندارد؛ ولی فقیر کسی است که در حد ضرورت دارد و مجبور به طلب از دیگران نیست (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۷: ۲۲).



در حکومت اسلامی زندگی می‌کنند) گرفته می‌شود. حاکم جامعه در اِزای دادن اِمنیت، رفاه و دیگر امکانات، از زمین کشاورزی آنان یا از خودشان به‌قدری که توان پرداخت دارند، مالیات دریافت می‌کند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۷: ۱۹۸ و ۲۰۰). بنابراین مالیات مخصوص اهل ذمه است و از مسلمانان گرفته نمی‌شود؛ همان‌طور که خمس و زکات مخصوص مسلمانان است و از اهل ذمه دریافت نمی‌شود.

### نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، این نتایج به دست می‌آید که اگر مردم بعد از پیامبر ﷺ، مسیر درست را انتخاب می‌کردند و به امیر مؤمنان ﷺ به‌عنوان وصی پیامبر رجوع می‌شد، قضیه فرق می‌کرد و تحوُّلی اساسی در علوم مختلف به دست امامان صورت می‌پذیرفت. در نتیجه، مردم نه تنها به سعادت اخروی می‌رسیدند، بلکه دنیاشان نیز آباد می‌شد؛ ولی چنین نشد و مردم از برگزیده الهی حمایت نکردند. به همین جهت حضرت زهرا فرمود بدانید که به‌جای شیر، خون تازه و زهر کشنده خواهید دوشید. همین اتفاق هم افتاد. با این حال، حجج الهی با توجُّه به بسترهای موجود، نقش مهمی در پیشرفت و بهبود جامعه و مردم ایفا کردند.

بسیاری از اموری که مربوط به پیشرفت، آبادانی جامعه و حیات دنیوی مردم است، را کسی غیر از حجج الهی توان اجرای آن را ندارد؛ چرا که به‌یقین می‌توان گفت هیچ حکومتی عاری از نقص و عیب نبوده و به‌دنبال آن عدم رضایت عمومی را در پی داشته است؛ بنابراین منحصرأً کسانی می‌توانند حکومتی بدون نقص به همراه عدالت اجتماعی و رضایت عمومی داشته باشند که خلیفه الهی و حجت الله باشند.

### منابع

#### قرآن مجید.

- \* شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، محقق و مصحح: صبحی صالح، قم، هجرت.
- ۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین‌الدین، (۱۴۰۵ق)، عوالمی اللئالی، محقق و مصحح: مجتبی عراقی، قم، دار سیدالشهداء.
- ۲. ابن اشعث، محمد بن محمد، (بی‌تا)، الجعفریات، تهران، مکتبه النینوی الحدیثه.
- ۳. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸)، عیون أخبار الرضا ﷺ، تهران، جهان.

۴. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۵)، *علل الشرائع*، قم، داورى.
۵. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۳ق)، *معانى الأخبار*، محقق و مصحح: على اكبر غفارى، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين.
۶. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۶ق)، *ثواب الأعمال وعقاب الأعمال*، قم، دار الشريف الرضى.
۷. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۳ق)، *من لا يحضره الفقيه*، محقق و مصحح: على اكبر غفارى، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين.
۸. \_\_\_\_\_، (۱۳۶۲)، *الخصال*، قم، جامعه مدرسين.
۹. ابناسطام، عبدالله و حسين، (۱۴۱۱ق)، *طب الأئمة عليهم السلام*، محقق و مصحح: محمد مهدي خراسان، قم، دار الشريف الرضى.
۱۰. ابن حيون، نعمان بن محمد مغربى، (۱۳۸۵ق)، *دعائم الإسلام*، محقق و مصحح: آصف فيضى، قم، آل البيت عليهم السلام.
۱۱. ابن شعبه حرانى، حسن بن على، (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، محقق و مصحح: على اكبر غفارى، قم، جامعه مدرسين.
۱۲. ابن طيفور، احمد بن أبى طاهر، (بى تا)، *بلاغات النساء*، قم، دار الشريف الرضى.
۱۳. ابن فارس، أحمد بن فارس، (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاييس اللغة*، محقق و مصحح: عبدالسلام محمد هارون، قم، مكتب الاعلام الاسلامى.
۱۴. اشكورى، محمد بن على، (۱۳۷۳)، *تفسير شريف لاميجى*، تهران، دفتر نشر داد.
۱۵. بحراني، سيدهاشم، (۱۳۷۴)، *البرهان فى تفسير القرآن*، قم، مؤسسه بعثه.
۱۶. برقى، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، محقق و مصحح: جلال الدين محدث، قم، دار الكتب الإسلامية.
۱۷. تسترى، محمد تقى، (۱۳۷۲)، *اوائل*، محقق و مصحح: قيس آل قيس، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقيقات فرهنگى.
۱۸. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، *غرر الحكم ودرر الكلم*، محقق و مصحح: سيد مهدي رجاني، قم، دار الكتاب الإسلامى.
۱۹. ثقفى، ابراهيم بن محمد، (۱۳۹۵ق)، *الغارات*، محقق و مصحح: جلال الدين محدث، تهران، انجمن آثار ملي.
۲۰. جزائرى، نعمت الله بن عبدالله، (۱۴۰۴ق)، *النور المبين فى قصص الأنبياء*، قم، مكتبة آية الله المرعشى.
۲۱. حبيرى، عبدالله بن جعفر، (۱۴۱۳ق)، *قرب الإسناد*، محقق و مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، آل البيت عليهم السلام.
۲۲. خزاز رازى، على بن محمد، (۱۴۰۱ق)، *كفاية الأثر فى النص على الأئمة الإثني عشر*، قم، بيدار.

۲۳. دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *إرشاد القلوب إلى الصواب*، قم، دار الشریف الرضی.
۲۴. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، محقق و مصحح: کوچہباغی، قم، مکتبہ آیة اللہ المرعشی.
۲۵. طبرسی، ابونصر حسن بن فضل، (۱۴۱۲ق)، *مکارم الأخلاق*، قم، دار الشریف الرضی.
۲۶. طبرسی، احمد بن علی، (۱۳۷۱)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، ترجمه و شرح: احمد غفاری، تهران، مرتضوی.
۲۷. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد، نشر مرتضی.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
۲۹. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۴ق)، *الأمالی*، قم، دار الثقافة.
۳۰. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الأحکام*، محقق و مصحح: حسن الموسوی خراسان، تهران، دار الکتب الإسلامیہ.
۳۱. علی بن موسی علیه السلام، (۱۴۰۲ق)، *طب الإمام الرضا (الرسالة الذهبیة)*، محقق و مصحح: محمد مهدی نجف، قم، دارالخیمام.
۳۲. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۶ق)، *الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا*، مؤسسة آل البيت علیہم السلام، مشهد، آل البيت علیہم السلام.
۳۳. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، محقق و مصحح: سیدہاشم رسولی، تهران، المطبعة العلمیة.
۳۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت.
۳۵. فولادوند، محمد مهدی، (۱۴۱۸ق)، *ترجمه قرآن*، محقق: هیئت علمی دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۳۶. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، (۱۴۰۹ق-الف)، *الخرائج والجرائج*، قم، مؤسسه امام مهدی علیه السلام.
۳۷. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۹ق-ب)، *قصص الأنبياء*، مشهد، مرکز پژوهش های اسلامی.
۳۸. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، *تفسیر القمی*، محقق و مصحح: طیب موسوی جزائری، قم، دار الکتب.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ق)، *کافی*، قم، دار الحدیث.
۴۰. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۱. \_\_\_\_\_، (۱۳۶۹)، *حلیة المتقین*، قم، لقمان.
۴۲. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۴)، *حیة القلوب*، قم، سرور.
۴۳. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول*، محقق و مصحح: سیدہاشم رسولی، تهران، دارالکتب الإسلامیة.

۴۴. مجلسی، محمدتقی، (۱۴۰۶ق)، *روضه المتقین، محقق و مصحح: حسین موسوی کرمانی، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.*
۴۵. مستغفری، جعفر بن محمد، (۱۳۸۱)، *روش تندرستی در اسلام، ترجمه طب النبی ﷺ و طب الصادق ﷺ، قم، مؤمنین.*
۴۶. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق-الف)، *الإختصاص، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم، المؤتمر العالمي لالفیه الشیخ المفید.*
۴۷. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۳ق-ب)، *الأمالی، محقق و مصحح: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید.*
۴۸. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، (۱۴۱۰ق)، *مجموعه ورام، قم، مکتبه فقیه.*